

جایگاه میهن عزیزما در مدار منافع ستراتیژیک کشورهای منطقه تعامل بر بنیاد مصالح منطقی بمنظور موازنه قوا و توازن منافع ویژگی های سیاست چین در قبال میهن عزیزما افغانستان

صلح و توسعه بمثابة مهمترین اهداف ستراتیژیک کشور
عنصر فقر، عنصر ترس و عنصر درگیری مسلحانه
سیاست انزوا یا گفتگوی عملگرایانه؟
چگونگی روایت واقعیت ها

منافع ستراتیژیک با اهدافی اطلاق می گردد که یک دولت در سطح بین المللی بمنظور حفظ آنها تلاش بعمل می آورد، گفته می شود منافع ستراتیژیک از رهگذر درجه اهمیت به سه دسته تقسیم میشوند: منافع حیاتی، منافع مهم و منافع حاشیوی. منافع ستراتیژیک ممکن بمثابة هدف های اولیه و همیشگی کشور تعریف شوند و این هدف های همیشگی بارز های زیر گفته می شود: امنیت وجودی، امنیت رفاهی، حفظ قدرت و حفظ پرستیژ. وارد شدن در مدار منافع کشورهای دیگر، بگونه کلی، سطح آرزومندی های ما را کاهش داده، ما را از مسیر توسعه اقتصادی پایدار منحرف مینماید. طرز فکر اینچنینی بما یاد میدهد که فقط تهدیدها را ببینیم. این طرز فکر ما را از دیدن و مشاهده فرصت ها محروم نموده و از ممکن سازی ناممکن ها نا امید می کند. این طرز فکر ما را از امکان صلح، همزیستی و همکاری با قدرت های بزرگ منصرف می سازد. طرز فکر اینچنینی ما را بسوی بد گمانی باکثرتیت شهروندان، بیگانگی با انصاف و عدالت در قضاوت، بسوی پوچ انگاری آزادی و دموکراسی، بسوی خوش باوری بحکام مستبد، سوق می دهد. دوره گذاری که کشور عزیزما افغانستان، لیبیا، عراق، یمن و سوریه پشت سر گذاشتند. در کنار عوامل و فاکتورهای مؤثر داخلی تا حدود زیادی قربانیان آن بوده اند. آیا کشور عزیز ما افغانستان در حال گذر و رسیدن به توازن ستراتیژیک می باشد؟ در فضای اینچنینی، رقص شمشیر و طبل جنگ و درگیری های مسلحانه را نباید چندان جدی پنداشت. تأثیر تعامل بازیگران فرأ منطقه بی در همین چارچوب قابل بررسی می باشد. منطق منطقه قوی تر، ضمن پان دادن به رقابت های مخرب، بزرگترین عامل رسیدن به توازن ستراتیژیک بوده و می تواند تضمینی بمنظور حرکت کشور عزیزما افغانستان بسوی صلح و ثبات پایدار باشد.

نیشته حاضر ب سیاست کلی جمهوری مردم چین و دول کشورهای منطقه بویژه در قبال کشور عزیزما افغانستان اختصا ص داده شده است. جلب نظر نمودن موقعیت جغرافیایی میهن ما با در نظر داشت این واقعیت که بموازات شرایط و وضعیت جدید سیاسی و بررسی این مسأله کامکان تسلط بر اراضی و سرزمین کشور ما بمثابة نظارت بر اوضاع نظامی - سیاسی کل منطقه پنداشته می شود، از اهمیت تاریخی برجسته ای برخوردار می باشد. از جمله مسایل مهم سیاست های کنونی جمهوری مردم چین یکی هم چگونگی موضعگیری آن در قبال کشور عزیزما مطرح بحث می باشد که بیش از سایر مسایل، عامل و فاکتور اقتصادی پنداشته میشود. یاددهانی بعمل می آید که در مجموع سرزمین کشور عزیزما ثروت های هنگفتی از جمله عناصر کمیاب در دل اراضی آن نهفته می باشد. در کنار مسایل گفته آمده، بویژه در زمینه همکاری با میهن عزیزما بمنظور تأمین منافع حیاتی آنکشور و عمدتاً بدلیل رفع نیازمندی های اساسی شهروندان آن کشور و بویژه در امر تأمین امنیت منطقی نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد. جمهوری یاد شده عمدتاً در مورد تأمین یکپارچگی ملی و حفظ تمامیت ارضی خویش با معضلات و مشکلاتی نیز دست و پنجه نرم می نماید. در لابلای نوشتار کنونی، قبل از همه و بیشتر از سایر موارد، این واقعیت توضیح گردیده که علاوه

برآسیای مرکزی، مناطق ومحلات دیگری نیز برای جمهوری مردم چین اهمیت بسزایی دارند. از جمله سایر موارد، یکی هم می توان از ناحیه اقیانوس آرام هند نام برد، جایی که رقیب اصلی چین یعنی ایالات متحده بگونه چشمگیر ی حضور فعالش را بیش از پیش گسترش می بخشد. بخاطر ما باشد که "ستراتژی هند - اقیانوس آرام" بمفهوم اخص کلمه بمنظور مهار چین مطرح بحث قرار گرفت.

درین مورد، تضادهای، مشکلات ارضی ومجموعه ای از مسایل و موضوعات حل ناشده نیز موجود می باشد. بر همین بنیاد، از منظر منافع ملی، ناحیه اقیانوس آرام هند، برای چین از اهمیت منحصر بفردی برخوردار می باشد. چین به منظور دستیابی بمنافع، آماده است از تمامی امکانات، از جمله گزینه نظامی نیز استفاده بعمل آورد. همچنان چین پنداشته می شود که چین با تدوین سیاست ژئوپولیتیکی اش در آسیای مرکزی و کشور عزیزما افغانستان، بویژه با استفاده از "قدرت نرم" محدود خواهد شد، زیرا مسیریاد شده برای آنکشوردرمقایسه با منطقه آسیا واقیانوسیه، از اهمیت میرمی برخوردار می باشد.

در تجزیه وتحلیل اوضاع کنونی کشور عزیزما، تذکر این نکته شایان توجه پنداشته میشود که هم جمهوری مردم چین وهم سایر کشورهای عضو سازمان همکاری های شانگهای، هر کدام بنوبه خویش در منطقه یاد شده، بویژه در کشور عزیزما، خواهی نخواهی، قبل از همه، علایق ومنافع منحصر بفرد شان را مطرح نظر قرار می دهند. هماهنگی اهداف و علایق یاد شده در صورت همکاری های همه جانبه حاکمیت موجود در جغرافیای افغانستان، بویژه در امر ایجاد وپایه گذاری دولت با ثبات، از جمله شروط لازم بمنظور حل وفصل وظایف مشترک پنداشته می شود. بر همین بنیاد، کمک بکشورما، تنها از طریق انجام تلاش های مشترک امکان پذیر می باشد.

در لابلای نبشته حاضر، بگونه مختصر، چکیده برخی ویژگی های سیاست مدون چین و چگونگی نوع سیاست آن کشوردر قبال وضعیت موجود در میهن ما مورد بررسی و مطالعه قرار داده شده است. همه با هم درین امر موافقتند که جمهوری مردم چین، قبل از همه وبیش از سایر موارد دیگر، موقعیت جغرافیایی افغانستان را وضعیت مطلوبی برای آنکشور پنداشته ومعتقد است که با استفاده از وضعیت اینچینی، امکان نظارت و تسلط آنکشور بر اوضاع سیاسی - نظامی کل منطقه را فراهم خواهد نمود. در کنار عوامل عدیده دیگر، عامل و فاکتور اقتصادی، بنحوی از انحاء بر مجموع سیاست دولت چین در قبال کشورما نیز تاثیر گذار می باشد.

این واقعیت بهمگان واضح و میرهن می باشد که با سرهم بندی شرایط منحصر بفردی در کشور عزیزما افغانستان، وضعیتی شکل گرفت که در مسیر همکاری کشورهای دیگر در زمینه تبدیل کشور عزیزما بیک کشور با ثبات و دارای اقتصاد مستقل، موانعی ایجاد نمود که برین بنیاد، اصل از میان برداشتن منابع تروریزم، افراط گرایی، تولید وقاچاق مواد مخدر و سایر تهدیدهای دیگر را با مشکلاتی مواجه نمود. در صورت تشدید اوضاع اجتماعی - سیاسی در جغرافیای کشورما و اطراف آن، امکانات سرهم بندی تهدیدهای متعددی را، قبل از همه برای سایر کشورهای عضو سازمان همکاری های شانگهای که تعداد قابل توجه شهروندان آن مسلمان می باشند، افزایش میبخشد. کاهش تشنج در اراضی متعلق بکشور عزیزما، بمنابۀ عضوناظر در سازمان همکاریهای شانگهای، تنها با کمک دولت و حاکمیت بقدرت رسیده در کشورما بر تثبیت وضعیت و ارائه کمک ها و مساعدت ها بآن، بویژه در امر بازسازی اقتصادی ازجا نب چین، روسیه وسایر اعضای سازمان یاد شده امکان پذیر می باشد.

بنظرمی رسد که سیاست جمهوری مردم چین در کشورما را اصلن بگونه جدا از سیاست مجموعی آنکشور در آسیای مرکزی وسایر مناطق همجوار واتمسیری که تحت نام "آسیای مرکزی" مسماً گردیده است، نمی توان مورد بررسی و مطالعه قرار داد. دولت ها و حاکمیت های توسعه یافته آسیای مرکزی برای جمهوری مردم چین از اهمیت آنچنانی برخوردار نمیشاند. اهمیت آنها نه تنها بعوامل اقتصادی بستگی ندارد، بلکه بیش از سایر موارد، بمنافع تأمین امنیت داخلی وهمچنان به ثبات وضعیت در منطقه بمنظور حل وفصل موفقیت آمیز معضلات اقتصادی، ضروری و مهم پنداشته می شود. بنابراین، کشور چین با تدوین سیاست جغرافیایی اش درین زمینه با احتمال غالب که از استفاده و بکارگیری ابزارهای "قدرت نرم" اقتصادی سود می برد، باین مفهوم که بدون مداخله در امور داخلی کشورهایی که قصد همکاری با آنها را دارد، از طریق سرمایه گذاری ها و اجرای عملی برنامه های اقتصادی مشترک، از جمله مانند برنامه کمر بند اقتصادی راه ابریشم، با اقدامات عملی متوسل خواهد گردید.

در مورد عوامل و فاکتورهایی که بر سیاست چین در مورد کشورما تاثیر گذار می باشد، قابل یاددهانی پنداشته می شود که با ازدست دادن قابل توجه تأثیرات ایالات متحده در جهان، بویژه پس از خروج ناگهانی و بی سروصدا و آشفتۀ نظامیان آنکشور از قلمرو اراضی متعلق با افغانستان، نه تنها بوجهه واشنگتن ضربه زد، بلکه در قلمرو متعلق به

کشورما نیز نوعی از خلای سیاسی را بوجود آورد که چین، روسیه، هند، ایران و پاکستان، هر کدام درصد آن شدند تا از وضعیت پیش آمده سود برده و پایگاههای ژئواستراتژیک شان را در کشورما پایه گذاری و ایجاد نمایند. با اینحال، با ارزیابی مقایسوی امکانات کشورهای یادشده باین نتیجه می رسیم که پکن با توجه باقتصاد نیرومند، قدرت اقتصادی قابل توجه و بویژه از برکت سیاست خارجی اش بمنظور گسترش و وسعت ساحه نفوذش در منطقه تلاش بعمل می آورد.

این، یک مسأله کاملن واضح و روشن می باشد که چگونگی مناسبات جمهوری مردم چین با ایالات متحده از پتا نسیل های جدی درگیری میان دوکشور برخوردار می باشد. موضوع فوق درزمینه های گوناگون و متنوع مناسبات کشورهای یادشده قدامت داشته و همچنان تداوم حاصل خواهد نمود. اما نفوذ چین در افغانستان بگونه جدی در امر ارتقای حیثیت آنکشور مؤثرواقع گردیده و درصورت همکاری های مؤثر با حاکمیت "طالب"ها، بویژه درزمینه های مبارزه با تروریسم و سعی در جلوگیری از قاچاق موادمخدر، براعتبار جمهوری مردم چین در جامعه جهانی بگونه چشمگیری افزایش بعمل آمده و باین ترتیب می تواند در قبال تحرکات و عملکردهای واشنگتن با اقداماتی متوسل گردیده و به موفقیت هایی نیز نایل گردد.

اما کشور عزیزما افغانستان، بویژه از رهگذر موجودیت منابع سرشار طبیعی و موقعیت جغرافیایی ستراتیژیک در مرکز اوراسیا و کشوری بمتابیه وصل کننده آسیای مرکزی و جنوبی، بگونه ای سبب ساز تلافی منافع ملی قدرتهای اصلی جهان محسوب می گردد. بر مبنای واقعیت های متذکره در فوق، سرزمین کشور عزیزما بمتابیه یکی از عوامل و فاکتورهای کلیدی اصل تضمین چگونگی وضعیت سیاسی - نظامی کل منطقه آسیای مرکزی پنداشته می شود. اما جمهوری مردم چین روابطش را بگونه ای باید تنظیم نماید که باصل مناسبات آنکشور با سایر اعضای سازمان همکاری های شانگهای بویژه در امر مهار جاه طلبی های واشنگتن آسیبی نرسد.

قابل یاددانهایی پنداشته می شود که درکشور چین و برخی از کشورهای عضو سازمان همکاری های شانگهای که در عین زمان با کشورما نیز همجواری باشند، مسایل مربوط بحل و فصل مشکلات و معضلات موجود، بویژه مبارزه با تروریسم بین المللی، افراط گرایی مذهبی، جدایی طلبی، قاچاق مواد مخدر و جرم های سازمان یافته نیز در دستور روز قرار می گیرد. این مسأله کاملن واضح و مبرهن می باشد که بمنظور حل و فصل مؤفقانه همه مشکلات موجود، توا فق نظر و عملکرد مشترک، تشابه موضعگیری ها و اصل هماهنگی اقدامات سایر دول کشورهای همجوار، از اهمیت بسزایی برخوردار میباشد. در مورد متذکره نباید فراموش نمود که عمده ترین مشکل در امر یادشده، حمایت و پشتیبانی برخی از کشورهای از گروه های قومی و نیروهای سیاسی متخاصم در کشورما می باشد. بگونه نمونه، از یکجانب دولت ایران از گروه ها و دسته بندی های اهل تشیع و از جانب دیگر برخی از کشورهای عربی خلیج از دسته بندی ها و گروه های اهل سنت حمایت بعمل می آورند. حاکمیت موجود در پاکستان، عمدتاً پبنتون های کشورما را مورد حمایت قرار داده و این در حالیست که بویژه بر بنیاد ادعای رهبران آن کشور، دولت هند، از هردولتی در افغانستان که سیاست مستقل از اسلام آباد را دنبال نماید، پشتیبانی و حمایت بعمل می آورد. دولت ترکیه از احساسات پروترکی و ضد پبنتون ها پیروی نموده و از ملیت ازبیک هادر کشورما حمایت بعمل می آورد.

بموازات شرایط و وضعیت نظامی - سیاسی، این عامل اقتصادی است که بر سیاست معاصر چین در کشورما اثرگذار می باشد. این واقعیت بر هیچ کسی پوشیده نیست که کشور عزیزما از منابع سرشار و عظیم فلزات مفیده و کمیاب غنی می باشد. معادن لیتیوم، آهن، مس و... کارشناسان سایر مواد معدنی در کشورما را بهزینه ۱-۳ تریلیون دالرتخمین می نمایند. فلزات یادشده در تولید کامپیوترها، گوشی های هوشمند، تلویزیون ها و همچنان هواپیما ها و وسایل نقلیه برقی و دیگر محصولات فنی استفاده بعمل می آید. در کنار اینهمه، در سرزمین کشور عزیزما مواد معدنی گرانبها، نفت، گاز و غیره نیز موجود می باشد. شرکت های چینیایی، بمبلغ میلیاردها دالردر امر استخراج و بهره برداری مواد معدنی کشورما سرمایه گذاری نموده اند.

در مورد دیگر که عبارت از مسأله امنیتی می باشد، کشور یادشده بامر تأمین امنیت منطقوی اهمیت منحصر بفردی قایل می باشد. در وضعیت کنونی و شرایط حاضر، اما کشور چین نیز با معضلات منحصر بفردی در بخش مسایل تأمین وحدت ملی و تمامیت ارضی خویش مواجه می باشد. بنابراین پکن در کنار آنکه بشدت نگران وضعیت امنیتی در کشورما بوده و همچنان از شکل بندی ناپایداری اوضاع و عدم امنیت در داخل کشور چین، بویژه در منطقه خودمختار سینکیانگ (ایغورها) نیز نگرانی های خویش را دارد. در عین حال، در جمهوری مردم چین از این واقعیت کاملن آگاه می باشند که در صورت شکل گیری تنش در منطقه و گزینه استفاده و بکارگیری از تروریسم و سایر اعمال خشو

نت آمیز، نه تنها بر اقتصاد چین اثرات مخربی بجا خواهد گذاشت، بلکه بروابط آنکشور بویژه با جهان اسلام نیز صدماتی وارد خواهد نمود.

بنابراین، با ارزیابی و بررسی وضعیت و وضعیتی که در حال حاضر در منطقه در شرف شکل گیری می باشد، با اطمینان می توان ادعا نمود که چین مانند سایر کشورهای منطقه بسرکوب هرگونه نشانه هایی از تروریزم در منطقه بویژه با استفاده و بکارگیری از نیرو و امکانات دست داشته خویش وبدون مداخله خارجی علاقمند می باشد.

حاکمیت کنونی در کشورما نیز در امر همکاری با چین، ابراز علاقمندی نموده است. وضعیت اینچنینی درکنار عوامل دیگر و قبل از همه بر بنیاد این دلیل مطرح بحث می باشد اینکه پس از دهه ها درگیری های مسلحانه در سرزمین کشورما، افغانستان بمنظور توسعه اقتصادی بسرمايه گذاري های مالی نیازمند می باشد، این اولین؛ ازمنظر بررسی های کشورچین، افغانستان درچنین حالتی، امکانات گسترده ای بمنظور ترویج منافع ملی اش بدست می آورد، این ثابین؛

و در نهایت امر، می توان چنین نتیجه گرفت که کشور عزیزما افغانستان می تواند در برنامه "حلقه اقتصادی" نیز سهم گرديده کاین بخودی خود، چشم اندازها ودورنماهای گسترده اقتصادی و دستيایی بسودهای قابل توجهی را برای شهروندان کشورما می گشاید.

یکشنبه ۵ ماه اسد سال ۱۴۰۴ خورشیدی برابر با ۲۷ ماه جولای سال ۲۰۲۵ ترسایی